

ادله فقهی نفقه زوجه از دیدگاه فقهای امامیه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۲)

دکتر جهانبخش غدیری^۱

استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

الهام نجفی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

چکیده

نفقه به معنای تأمین ضروریات زندگی برای ادامه زندگی فرد است، از جمله: خوراک، پوشاک، مسکن و نفقه همسر و نزدیکان به مرد واجب شده است. همچنین پرداخت نفقه برده و حیوان نیز بر عهده مالک است. در این میان، نفقه زوجه یکی از مطالب پر اهمیت فقهی و حقوقی و مبتلا به جامعه است و با توجه به این اهمیت، در مقاله حاضر سعی شده است تا با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی به این مسئله پرداخته شود. در ابتدا مفهوم نفقه زوجه بیان گردید و سپس آراء فقهای امامیه در خصوص مقدار پرداخت نفقه مطرح شد. پس از آن ادله فقهی وجوب نفقه همسر بررسی شدند. در نهایت لزوم پرداخت نفقه همسر در حقوق مدنی ایران مورد بررسی قرار گرفت و نتیجتاً مشخص گردید که نفقه زوجه و مقدار آن و شرایط پرداختش در قانون مدنی ایران به طور قابل توجهی به دیدگاه فقهای امامیه نزدیک است.

واژگان کلیدی: حقوق مدنی، فقه امامیه، نفقه، نفقه زوجه

^۱ نویسنده مسئول (jghadiri1349@yahoo.com)

مقدمه

نفقة در لغت به معنای هزینه زندگی زن و فرزند، آنچه اتفاق کنند، آنچه صرف و خرج معیشت عیال و اولاد کنند و هزینه زندگی عیال و اولاد آمده است (معین، ۱۳۸۶: ص ۱۱۲۳؛ عمید، ۱۳۷۵: ص ۱۴۰۷)، و در اصطلاح، عبارت است از مالی که برای ادامه زندگی، صرف مخارج ضروری همسر و فرزندان، خویشاوندان و مانند آنها می شود؛ اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و غیره. نفقه به اسباب «زوجیت»، «قربت و خویشاوندی» و «مملوک بودن»، واجب می شود (امام خمینی، ۱۳۹۰ق: ج ۲/ص ۳۱۳). در ازدواج دائم، پرداخت نفقه زن بر شوهر واجب است. حق نفقه در اسلام، نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی برای آنها قرار داده نمی شد به سختی می افتادند؛ چون زن در ازدواج دائم، مسئولیت هایی را در طول زندگی مشترک بر عهده دارد که توان جسمی او را می طلبد و فرصتی را از او می گیرد؛ مسئولیتهایی مانند شوهرداری، خانه داری، بارداری، تربیت فرزند؛ از این رو، نفقه، حقی است که اسلام برای زن قرار داده است. علاوه بر همسر، نفقه خویشاوندان و نزدیکان (یعنی فرزندان و نوه ها، اگر چه پایین تر روند (مانند نیره و نتیجه) و پدر و مادر و پدربزرگها و مادرزیرگها، اگر چه بالاتر روند) نیز بر مرد واجب است (امام خمینی، ۱۳۹۰ق: ج ۲/ص ۳۱۹). همچنین نفقه مملوک (منظور از مملوک، چیزهایی است که در ملکیت انسان قرار دارند، مانند: حیوان و برده) بر مالکش واجب است. لکن از میان اسباب وجوب نفقه، آنچه که حائز اهمیت است و بیش از سایر اسباب مطرح شده و در مباحث فقهی و حقوقی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، نفقه همسر می باشد. بر طبق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم نفقه زن بر عهده شوهر است و بر طبق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه شامل همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن می شود، مثل مسکن، پوشاک، غذا، اثاثیه منزل و هزینه های درمان و حتی خادم، البته در صورتی که زن عادت به داشتن خادم داشته باشد و یا به واسطه مریضی نیاز به آن داشته باشد. موارد ذکر شده در این ماده حصری نیست و به عنوان مثال ذکر شده است. قاعده کلی این است که حقوق زوجه شامل همه نیازهای متعارف و متناسب با شأن زن است. از ملاک های مهم کارشناس

برای تعیین حقوق زوجه نیازهای زوجه و شأن او می‌باشد. برای وجوب نفقه همسر ادله محکمی اعم از آیات و روایات وجود دارد، همچنین مقدار نفقه نیز به شرایط مختلفی بستگی دارد. هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی همین مسئله است. در مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از اسناد کتابخانه‌ای کوشیده شده است تا ادله فقهی وجوب پرداخت نفقه همسر و مقدار آن بررسی گردد. همچنین بحث نفقه در حقوق مدنی ایران نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. سعی نگارنده بر آن بوده تا انتخاب داده‌ها و ترکیب آن‌ها و نتیجه‌گیری به نحوی انجام پذیرد تا خواننده نسبت به قطعیت نتایج اطمینان حاصل کند.

بخش اول: نفقه زوجه از دیدگاه فقها

بند اول: معنا شناسی

نفقه در لغت به معنای هزینه، خرج روزمره و خرجی و نفقه دادن نیز به معنای عهده‌دار معاش دیگری شدن و هزینه معاش او را دادن است. در اصطلاح فقه نیز مالی را گویند که برای ادامه زندگی بر طبق حال اشخاص لازم است و آن عبارت است از خرج خوراک، پوشاک و مسکن (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۴/ص ۲۲۶۴۱). فقها کمتر به مفهوم نفقه اشاره کرده و بیشتر مصادیق آن را ذکر نموده‌اند. از نظر آنان ازدواج، خویشاوندی و مالکیت (مالکیت نسبت به برده و حیوانات) سبب نفقه می‌شود (امام خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲/ص ۲۹۸). از آنجا که زن، در ازدواج دائم مسئولیت‌هایی را در طول زندگی مشترک خود به عهده دارد که توان جسمی او را می‌طلبد و فرصتی را از او می‌گیرد، نفقه، حق و امتیاز او قرار داده شده است؛ مسئولیت‌هایی، مانند: بارداری و حضانت فرزند، رسیدگی و انجام امور شخصی در خانه (با این قید که زن شأن خدمتکار برگزیدن را نداشته باشد که معمولاً چنین بوده و هست) خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر و تمکین در برابر همسر. نفقه زن بر عهده شوهر است و در پرداخت آن نیازمندی شرط نیست. نفقه همسر باید در مقام و شأن او باشد. به عنوان نمونه اگر همسر قبل از ازدواج

خادمی داشته است تأمین آن جزو نفقه محسوب می گردد^۱. از نظر فقهی نفقه زن مقدار معینی ندارد و ملاک، رفع نیازهای عرفی او است، مانند: خوراک، پوشاک و مسکن.

بند دوم: مقدار نفقه

در خصوص مقدار نفقه می توان به بحث از دو زاویه نگاه کرد. اول اینکه مقدار نفقه منظور حیطه و موضوعات نفقه است و دوم اینکه در هر حیطه به چه میزانی باید اتفاق صورت پذیرد. در خصوص موضوعات و حیطه پرداخت نفقه فقهای پیشین اشاراتی داشته و مواردی را برشمرده اند، لکن صاحب جواهر، عالم عالیقدر محمدحسن نجفی گستره و حیطه پرداخت نفقه زوجه که بر عهده شوهر است را محدود به مواردی ندانسته و شأن زوجه را در تعیین و مشخص نمودن گستره پرداخت نفقه، حائز اهمیت دانسته اند. صاحب جواهر معتقدند که: «إن جعل المدرك فيه (قدر النفقة) المعاشرة بالمعروف واطلاق الانفاق كان المتجه وجوب الجميع بل وغيره ما ذكره من أمور آخر لا حصر لها، فالمتجه إحالة جميع ذلك إلى العادة في إنفاق الأزواج على الزوجات من حيث الزوجية لا من حيث شدة حب ونحوه، من غير فرق بين ما ذكره من ذلك وما لم يذكره، مع مراعات حال المراءة والمكان والزمان ونحو ذلك، ومع التنازع فما يقدره الحاكم من ذلك لقطع الخصومة، وإلا فليس على ماسمعه منهم إثباتاً ونفيّاً دليل معتد به بالخصوص؛ اگر مدرک و دلیل در مقدار نفقه، معاشرت به نحو پسندیده و معروف (وعاشروهن بالمعروف) و اطلاق دلیل اتفاق باشد، صحیح این است که پرداخت هزینه تمامی موارد (حتی هزینه دارو و معالجه و اجرت حمام و حجامت) واجب باشد و بلکه چیزهای دیگری که محدود و محصور نیست. پس صحیح این است که همه موارد نفقه را به شأن همسری و اتفاق شوهران به زنانشان مربوط دانست که به طور معمول صورت می گیرد و هرگز به شدت دوست داشتن همسر و اموری این چنینی ربط ندارد. هرگز فرقی نیست بین آن مواردی از نفقه که ذکر کرده اند و آن مواردی که ذکر نکرده اند. این امر، با مراعات شأن زن و

مکان و زمان و مانند آن صورت می‌پذیرد. و در صورت اختلاف و نزاع، آنچه حاکم شرع برای رفع خصومت تعیین می‌کند، پذیرفته خواهد بود. والا برای آنچه که از فقهای پیشین شنیده‌ام، نه اثباتاً و نه نفیاً، دلیل خاصی که بتوان به آن اعتنا نمود، وجود ندارد» (نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ج ۳/ص ۳۳۷). اما در خصوص میزان پرداخت نفقه، میان فقهای اختلافاتی وجود دارد. توانگری و تنگدستی زوج (مرد)، وضع زوج (زن) و یا هر دو، معیار نفقه دانسته شده‌اند. از جمله مستندات معیار بودن توانگری و تنگدستی زوج در فقه شیعه، آیه ۷ سوره طلاق^۱ است. ولی مخالفان این نظر برآنند که زوج آنچه از نفقه را که می‌تواند باید (مطابق با شأن زوج) بپردازد و بقیه آن دینی بر عهده او خواهد بود، آنها به ادامه همین آیه استناد می‌کنند (سیجعل الله بعد عسر يسرا). به نظر صاحب جواهر می‌توان گفت آیه درباره نفقه غیر زوج است که با ناتوانی اتفاق کننده ساقط می‌شود (نجفی، ۱۳۶۲: ج ۳/ص ۳۳۳).

برخی فقهای شیعه به حق فسخ برای زوج در صورت ناتوانی زوج از پرداخت نفقه معتقدند. مستند آنان آیه ۲۲۹ سوره بقره^۲ است. از نظر آنان، نگاه داشتن زوج بدون پرداخت نفقه «امساک به معروف» نیست و در صورت فقدان حاکم، زوج حق فسخ دارد. لکن باید اشاره نمود که این نظر، نظر اقلیت فقهاست و بیشتر فقهای شیعه معتقدند زوج چنین حقی ندارد (امام خمینی، ۱۳۹۰: ج ۲/ص ۲۸۷). لکن به طور کلی می‌توان برای میزان پرداخت نفقه گفت که معروف میان فقها آن است که از طرف عقل و شرع خوب شناخته شود، و متداول در عرف نیز معروف است. لذا در مجموع می‌توان گفت در بحث مقدار نفقه سه مورد در میان فقها دارای

^۱ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود اتفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده اتفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند؛ خداوند بزودی بعد از سختی آسانی قرار می‌دهد!

^۲ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.

اهمیت است: اولاً: آنچه در جامعه معروف و متعارف است؛ ثانیاً: آنچه با توانایی مالی مرد تناسب دارد؛ و ثالثاً: آنچه متناسب با شأن و منزلت اجتماعی زن است.

بخش دوم: ادله فقهی وجوب نفقه زوجه

برای وجوب پرداخت نفقه زوجه توسط شوهر ادله بسیاری توسط فقهای امامیه مطرح شده است و با استناد به آنها چنین حکمی صادر شده است. آیات و روایاتی برای چنین مفهومی وجود دارد و مورد استناد فقها واقع شده است. همچنین در میان فقهای شیعه وجوب نفقه زوجه، امری اجماعی و متفق علیه به شمار می‌رود، بلکه این امر به گفته مؤلف جواهر الکلام در بین امت اسلامی اجماعی است (نجفی، ۱۳۶۲: ج ۳۱/ص ۳۰۱).

بند اول: آیات

در قرآن کریم، آیات متعددی در زمینه وجوب نفقه نازل شده است. برخی از این آیات عبارتند از: آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره (وَالْوَالِدَاتُ، ی، رُضِعْنَ أَوْلَادَهُ، نَّ حَوَّلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ ی، تَمَّ الرُّضَاعَةُ وَعَلَى الْمَوْلِ، وَدَّ لَهُ، رِزْقٌ، ه، نَّ وَكَسَوْتَ، ه، نَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا ت، كَلَّفَ، نَفْسٌ إِلَّا وَ، سَعَهَا لَا ت، ضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلٌ، وَدَّ لَهُ، بَوْلِدَهُ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ، ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُ، مَا وَتَشَاوَرَا فَلَاحَ، نَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتَ، مَ أَنْ تَسْتَرْضِعَ، وَ أَوْلَادَكَ، مَ فَلَا حَ، نَاحَ عَلَيْكَ، مَ إِذَا سَلَّمْتَ، مَ مَا آتَيْتَ، مَ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقِ، وَ اللَّهُ وَاعْلَمْ، وَ أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُ، وَنَ بَصِيرٌ؛ مادران، فرزندان را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد، حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تامین نماید). و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر باز گیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم

توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا به پرهیزید و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!)، آیه ۶ سوره مبارکه طلاق (أَسْكَنْ، وَهِنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتَ، مَنْ مِنْ وَجَدَكَ، مَنْ وَلَكَتَ، ضَارَّ، وَهِنَّ لَتَ، ضَيَّقَ، وَاعْلِيَهُنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَئِكَ حَمْلٌ فَأَنْفَقْ، وَاعْلِيَهُنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكَ، مَنْ فَاتَ، وَهِنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمَّرَ، وَاعْلِيَهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاسَرْتَ، مَنْ فَسَتْ، رَضِيعَ، لَهُ، أُخْرَى؛ آنها (زنان مطلقه) را هر جا خودتان سکونت دارید، و در توانائی شما است، سکونت دهید، و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند) و هرگاه باردار باشند نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند، و اگر برای شما فرزند را شیر دهند پاداش آنها را بپردازید، و (درباره فرزندان کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید، و اگر بتوافق نرسیدید زن دیگری شیر دادن آن بچه را بر عهده می‌گیرد)، آیه ۷ سوره مبارکه طلاق (لِي، نَفَقَ ذُو، وَ سَعَهُ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدْ دَرَّ عَلَيْهِ رِزْقٌ، هُوَ، فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ، اللَّهُ، لَا يَكُلْفُ، اللَّهُ، نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ، اللَّهُ، بَعْدَ عُسْرٍ، سُرًّا؛ آنها که امکانات وسیعی دارند باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند، و آنها که تنگدستند از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند، خداوند هیچکس را جز به مقدار توانائی که به او داده تکلیف نمی‌کند، خداوند به زودی بعد از سختی آسانی قرار می‌دهد) و آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء (الرِّجَالُ، قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ، بَعْضَهُ، عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ، وَاللَّاتِي تَخَافُونَ، وَنَاشِئَ، وَزَهْنَ، فَقَطِّعْ، وَهِنَّ وَأَهْجُرْنَ، وَهِنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبْنَ، وَهِنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكَ، مَنْ فَلَا تَبْغِ، وَاعْلِيَهُنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا؛ مردان، سرپرست و خدمتگزار زنانند، بخاطر برتریهایی که (از نظر نظام اجتماع) خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند، و زنان صالح آنها هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! و (اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر آنها مؤثر نشد و هیچ راهی برای

وادار کردن آنها به انجام وظایفشان جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود، آنها را ترک کنید! و اگر از شما پیروی کردند به آنها تعدی نکنید و (بدانید) خداوند بلند مرتبه و بزرگ است).

بند دوم: روایات

روایات متعددی درباره وجوب پرداخت نفقه به زوجه توسط زوج از معصومین علیهم السلام نقل شده‌اند و فقها برای اثبات وجوب نفقه زوجه به آنها استناد نموده‌اند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف- روایت صحیحہ فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه «وَمَنْ قَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقٌ، فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ، اللَّهُ»، (طلاق: ۷) فرمودند: اگر کسی خوراک و پوشاک همسرش را به نحو شایسته تأمین نکند بین آنان جدایی افکنده می‌شود؛ «إِذَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا مَا يَقِيمُ، ظَهَرَهَا مَعَ كِسْوَةٍ وَإِلَّا فَرَّقَ بَيْنَهُمَا» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۲۱/ص ۵۱۱).

ب- حریر روایت که است که از حضرت امام حسین علیه اسلام پرسیدم: مَنْ الَّذِي أَجْبَرَ، عَلَيْهِ وَ تَلَزَمَ، نِي نَفَقَتَهُ، و ایشان فرموده‌اند: الْوَالِدَانِ وَالْوَلَدُ، وَالزَّوْجَةُ، (شیخ صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱/ص ۲۴۸).

پ- رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: حق المرأة على زوجها أن يسد جوعتها وأن يستر عورتها ولا يقبح لها وجهها، فإذا فعل ذلك فقد والله أدى حقها (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۰/ص ۲۵۴؛ ابن فهد حلی، بی‌تا: ص ۶۳).

بخش سوم: مختصر نفقه زوجه در حقوق مدنی

طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی همین که نکاح به طور صحیح واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین از قبیل: مهر، نفقه، حسن برخورد و معاشرت و تمکین، در مقابل یکدیگر برقرار می‌شود. هم چنین وفق ماده ۱۱۰۶ همان قانون، در عقد دائم نفقه زن

برعهده شوهر می‌باشد. صرف برقراری رابطه زوجیت مرد را مکلف به پرداخت نفقه می‌نماید و در این باب تمکین شرط استحقاق زن نسبت به نفقه نیست. اما در صورتی که زن از تمکین خودداری نماید و به عبارت دیگر ناشزه محسوب شود حق او بر نفقه، معلق بر تمکین خواهد شد^۱ و از آنجایی که طبق قانون و شرع زنان ممنوع از اشتغال نیستند و تمام درآمد ایشان مختص به خود بوده و تکلیفی به پرداخت هزینه‌های زندگی مشترک ندارند، و از طرف دیگر سیاق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی که به طور مطلق تمامی زنان در عقد دائم را مشمول حکم عام نفقه قرار داده است و در این خصوص در هیچ جایی قائل به تفکیک و یا تخصیص نشده است، می‌توان گفت که قطع به یقین زنان شاغل همچنان مانند زنان خانه‌دار مستحق نفقه می‌باشند. همچنین مطابق ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه نقصان یا مرض»، البته مفاد این ماده، دلالت بر حصری بودن مصادیق نفقه نداشته و عرف، تعیین‌کننده لوازم و اقلام مورد نیاز زوج است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ج ۱/ص ۳۲۸).

مصادیق نفقه زن را می‌توان اعم از هر چیزی دانست که وی، برای ادامه یک زندگی متعارف و متعادل، به آن نیاز دارد. به موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۱۸۴۲ مورخه ۱۳۷۲/۰۳/۱۰ اداره حقوقی قوه قضاییه، انتخاب مسکن با مرد است؛ لیکن اگر وی، این اختیار را به زوج تفویض نموده باشد؛ در این صورت زن باید در شهر و دیاری که زوج کار می‌کند؛ اقدام به تهیه مسکن نماید؛ در غیر این صورت، استحقاق دریافت نفقه را ندارد (دیانی، ۱۳۸۷: ص ۱۰۳). به موجب دادنامه شماره ۲۹۲ مورخه ۱۳۲۳/۰۴/۱۵ شعبه ۴ دیوان عالی کشور، با توجه به اینکه نفقه، عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، دادگاه باید به این موضوع رسیدگی نموده و مصادیق و میزان آن را معین نماید (حسینی، ۱۳۸۷: ص ۸۴).

^۱ ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی

همچنین قانونگذار، در ایام عده رجعیه، آثار نکاح و وظایف زوجین را، مفروض اعلام نموده است (افسران، ۱۳۹۱: ج ۱/ص ۱۹۶)، لذا نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.^۱ در طلاق رجعی، به دلیل ماهیت خاص آن، نفقه زن، در زمان عده، بر عهده شوهر است (قاسم زاده، ۱۳۸۹: ص ۲۰۲).

نتیجه گیری

گفته شد که نفقه زوجه توسط شارع مقدس برای زوج واجب شده است و مقدار و حیطة این نفقه ملزومات زندگی نظیر خوراک و پوشاک و مسکن و ... با توجه به شأن و منزلت اجتماعی زوجه، عرف و عادت جامعه و شرع و توانایی مالی مرد قابل تعیین هستند. ادله فقهای امامیه برای اثبات وجوب نفقه زوجه قرآن، روایات و اجماع است و گفته شد که فقها قائل به اجماع بر روی این مسئله هستند. آیات ۲۳۳ سوره مبارکه بقره، ۶ و ۷ سوره مبارکه طلاق و ۳۴ سوره مبارکه نساء از آیاتی هستند که بدانها اشاره شد. همچنین روایاتی از رسول گرامی اسلام (ص)، امام حسین (ع) و امام صادق (ع) در ارتباط با این مسئله بیان شد. لذا محل تردیدی در وجوب پرداخت نفقه به زوجه توسط زوج وجود ندارد. قانون مدنی ایران نیز با الهام از دیدگاه فقهای امامیه به تقنین موادی در خصوص وجوب نفقه، نحوه تعیین شرایط و مقدار نفقه و ضمانت اجرای آن پرداخته است. از قیاس مواد مرتبط با نفقه زوجه در قانون مدنی و آراء فقهای امامیه می توان گفت که لزوم پرداخت نفقه، مقدار و نحوه پرداخت نفقه، عدم تعلق نفقه و نفقه مطلقه رجعیه، در قانون مدنی تماماً برگرفته از دیدگاه فقهاست و تفاوتی یافت نشد.

^۱ ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن فهد حلی (بیتا)، عدّه الداعی ونجاح الساعی، قم، مکتبه وجدانی.
۳. افسران، قاسم (۱۳۹۱)، حقوق خانواده در آئینه نمودار، جلد ۱، تهران، انتشارات نگاه بینه.
۴. امام خمینی (۱۳۹۰ق)، تحریرالوسیله، جلد ۲، نجف اشرف، مطبعه الآداب.
۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، جلد ۲۱، چاپ ۲، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام لإحياء التراث.
۶. حسینی، سید محمدرضا (۱۳۸۷)، قانون مدنی در رویه قضایی، چاپ ۴، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۴، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۸. دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۷)، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان.
۹. شیخ صدوق (۱۳۶۲)، الخصال، جلد ۱، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. علامه مجلسی (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، جلد ۱۰۰، چاپ ۳، بیروت، دار الإحياء التراث.
۱۱. عمید، حسن (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۶، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۱۲. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۹)، امور حسبی غایب مفقودالاثر، تهران، نشر میزان.
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ معین، چاپ ۳، تهران، نشر زرین.
۱۴. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۶)، اندیشه‌های حقوقی، جلد ۱، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۵. نجفی، محمد حسن (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد ۳۱، چاپ ۷، بیروت، دار إحياء التراث العربی.